



## افق‌های جدید در علم با تصرف بنیادهای فلسفی گشوده می‌شود

حجت‌الاسلام با بیان اینکه در بیانیه گام دوم به دو مسئله حرکت در مرزهای دانش و افق‌گشایی اشاره شده است، اظهار کرد:

حجت‌الاسلام با بیان اینکه در بیانیه گام دوم به دو مسئله حرکت در مرزهای دانش و افق‌گشایی اشاره شده است، اظهار کرد: حرکت در مرزهای دانش، به معنای به نیکی فراگرفتن عقبه‌های دانش و بازخوانی است، اما افق‌گشایی به معنای عبور از آن و بازسازی است که براساس بنیادهای نظری و فلسفی جهان اسلام صورت می‌گیرد و علم دینی در این قلمرو شکل می‌گیرد.

به گزارش ایکن، همایش علمی «انقلاب اسلامی و گفتمان علم و حکمت در بیانیه گام دوم انقلاب»، امروز، ۱۹ بهمن ماه با سخنرانی جمعی از اندیشمندان و با همکاری گروه فلسفه سیاسی مجمع عالی حکمت اسلامی به صورت مجازی برگزار شد. در ادامه متن سخنان حجت‌الاسلام حمید پارسانیا، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و استاد دانشگاه تهران را می‌خوانید که با موضوع «نقش و جایگاه علم دینی در بیانیه گام دوم» ایراد شده است؛

موضوعی که پیرامون آن صحبت می‌کنم، علم دینی و نسبت آن با بیانیه گام دوم است. در این بیانیه در دو بخش، به دو امر اشاره شده است که با بحث ما مناسبت دارد. یکی از این امور، مسئله مربوط به بند دوم است که عنوان آن «موتور پیشبران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی» است.

در این بخش آمده است «موتور پیشبران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تاکنون ثمرات بالنده آن روزبه روز فراگیرتر می‌شود. هزاران شرکت دانش بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل‌ونقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیلکرده دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری صفر بود، در صنعت به جز مونتاژ و در علم به جز ترجمه هنری نداشت».

امر دیگری که در بین این امور مورد توجه قرار گرفته، امر ششم است که تحت عنوان «افزایش چشمگیر معنویت و اخلاق در فضای عمومی جامعه» مطرح شده و در این بخش آمده است «انقلاب اسلامی عیار معنویت و اخلاق را در فضای عمومی جامعه به گونه‌ای چشمگیر افزایش داد. این پدیده مبارک را رفتار و منش حضرت امام خمینی(ره) در طول دوران مبارزه و پس از پیروزی انقلاب، بیش از هر چیز رواج داد؛ آن انسان معنوی و عارف و وارسته از پیرایه‌های مادی، در رأس کشوری قرار گرفت که مایه‌های ایمان مردمش بسی ریشه‌دار و عمیق بود. هرچند دست‌تپاول تبلیغات مروج فساد و بی‌بندوباری در طول دوران پهلوی‌ها به آن ضربه‌های سخت زده و لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی را به درون زندگی مردم متوسط و به خصوص جوانان کشانده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به ویژه جوانان را مجذوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد».

به همین ترتیب مطالبی در مورد نقشی که انقلاب اسلامی در بسط معنویت داشته، بیان شده است و این دو امر یعنی علم و فناوری و دوم معنویت به عنوان دو بخش از دستاوردهای مهم انقلاب در کام اول مورد توجه قرار گرفته است. از طرفی در توصیه‌ها به گام دوم نیز چند امر یاد شده است. در گام طی شده، مسئله دوم و یا امر دوم عبارت از علم و فناوری و مسئله ششم با عنوان معنویت است، اما در توصیه‌ها نخستین توصیه‌ها به علم و اخلاق است. در توصیه اول آمده است: «دانش، آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو بیست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است.

اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود -

یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان - به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید و مایه شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته های حساس و نوپدید به رتبه های نخستین ارتقاء داد، همه وهمه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته ایم و این نعمت بزرگی است که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت». سپس می گویند: «اما آنچه من می خواهم بگویم این است که این راه طی شده، با همه اهمیتش فقط یک آغاز بوده است و نه بیشتر.»

اما در امر دوم به معنویت و اخلاق می پردازند و می گویند: «معنویت به معنی برجسته کردن ارزش های معنوی از قبیل اخلاص، ایثار، توکل، ایمان در خود و در جامعه است و اخلاق به معنی رعایت فضیلت هایی چون خیرخواهی، گذشت، کمک به نیازمند، راستگویی، شجاعت، تواضع، اعتماد به نفس و دیگر خلقیات نیکو است. معنویت و اخلاق، جهت دهنده همه حرکت ها و فعالیت های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه است؛ بودن آنها، محیط زندگی را حتی با کمبودهای مادی، بهشت می سازد و نبودن آن حتی با برخورداری مادی، جهنم می آفریند.»

بنده در مورد دو مسئله در گام اول و در گام دوم تأکید کردم؛ یعنی این دو مسئله را که در بیانیه گام دوم مطرح بود، مطرح کردم و این را درآمدی بر بحث قرار می دهم که عبارت از نقش علم دینی است. انقلاب اسلامی ایران بیش از آنکه یک انقلاب اقتصادی و یا سیاسی باشد، یک انقلاب فرهنگی بود. در جنگ جهانی، پس از فروپاشی خلافت عثمانی، میراث این خلافت مستقیماً سهم بخش های مختلفی از کشورهای استعماری شد و دیگر مناطق هم که تحت نفوذ عمل می کردند، آسیب های فرهنگی جدیدی را به فرهنگ اسلامی وارد کردند. تجربه مدل های مختلف مقاومت صورت گرفت که اغلب اینها از مدل هایی که از متن فرهنگ غرب می آمد الگو می گرفت که عبارت از جریان های مارکسیستی بود و به نظر می رسد، نقطه عطف با انقلاب اسلامی ایران شروع شد و کار انقلاب، بازگشت به هویت فرهنگی بود.

پیش بینی می شد که دین از عرصه فرهنگ عمومی نیز برچیده شود، اما مسئله به گونه دیگری طرح شد. همچنین حقیقت انقلاب ممکن است ابتدا هویت اقتصادی و یا سیاسی داشته باشد، اما حرکت انقلابی به معنای تغییر مناسبات است و الزاماً با خشونت همراه نیست. آنچه در انقلاب اسلامی ایران رخ داد، تغییر افق فرهنگی است که خودش را در سیاست با فروپاشی یک قدرت سیاسی که در حاشیه بلوک غرب کار می کرد ظاهر کرد؛ یعنی انقلاب اسلامی در افق سیاست ظاهر شد، اما عقبه فرهنگی داشت.

معنویت، اخلاق و تناسب این حوزه با آنچه در فرهنگ و تمدن اسلامی است، ریشه انقلاب اسلامی را تشکیل می دهد و نمی توان این را انکار کرد. همچنین یک مقایسه بسیار ابتدایی و ظاهری نسبت به فضای فرهنگی کشورهای اسلامی می توان مشاهده کرد و از طرفی می توان گفت قبل از انقلاب اسلامی، عمده رویکردها متوجه به رویکردهای اجتماعی و متأثر از ایده ها و ارزش های جهانی غرب بود و حرکت های جهانی نیز این طور بودند، اما خیزش اسلامی موجب شد که بلوک غرب نیز برای فعال شدن در برابر حرکت های اسلامی، پوشش دینی بگیرد و بدل ها نیز رنگ دینی پیدا کنند. پدیده ای مانند داعش، در صورتی به وجود می آید که فرهنگ دینی حیات داشته باشد و زندگی خود را نشان دهد تا رقیب مجبور شود برای رقابت از مفاهیم دینی پوشش بگیرد و این نشان از حیات مجدد فرهنگی جهان اسلام دارد.

نکته قابل تأمل این است که تا بنیادهای فلسفی علوم را تصرف و دگرگون نکنیم، افق جدیدی را در علوم نگشاده ایم. در بیانیه گام دوم، به دو مسئله اشاره می شود؛ یکی حرکت در مرزهای دانش موجود و دیگری افق گشایی. حرکت در مرزهای دانش، به معنای به نیکی فراگرفتن عقبه های دانش است، اما افق گشایی نیز مطرح است که به معنای عبور کردن از آنهاست و در حقیقت حرکت در مرزهای دانش، بازخوانی است، اما افق گشایی به معنای بازسازی است که براساس بنیادهای نظری و فلسفی جهان اسلام صورت می گیرد و علم دینی در این قلمرو شکل می گیرد.

اگر در گام اول، حرکت بین علم و فناوری با معنویت را داشته ایم و انقلاب ریشه در معنویت داشته است، در گام دوم باید این مسیر را پر توان تر برویم، اما نکته مهم تر اینکه به آنچه رفته ایم نباید بسنده کنیم و باید از مرزهای دانش در هر رشته ای که درنوردیده ایم، عبور کنیم و افق های جدیدی را بگشاییم، تا افق های فرهنگی انقلاب را نیز بیمه کنیم.